

گرفت ، نه اینکه منتظر هفته آخر ایام عومر بوده و این میشنا را نیز سرسری خوانده و به زندگی عادی خود ادامه دهیم.

چنان که در ابتدا ذکر شد ، باید با تمرکز و آمادگی کامل مشغول تفیلا و آموزش توراہ شد. درست است که بیشتر اوقات سخت است که تمام تمرکز و حواس خویش را جمع خواندن تفیلا و آموزش توراہ نماییم ، ولی به هر حال باید حداکثر سعی خود را نموده و حداقل ، آن چه به به ما ارتباط دارد را انجام دهیم. برای مثال ، نباید با موبایل و دستگاه‌های همراه دیگر وارد کنیسا شده و مشغول آموزش توراہ و خواندن تفیلا شویم ، چون این دستگاهها تمرکز را از بین برده و حواس ما را از آموزش توراہ و خواندن تفیلا پرت می‌کنند. یا این که نباید در هنگام خواندن تفیلا و آموزش توراہ به مسائل و اعمال دیگر فکر نمود.

اگر از جانب الهی ببینند که فرد تمام سعی و تلاش خویش را می‌کند تا احترام تفیلا و توراہ را نگه دارد، پس صد البته به چنین شخصی کمک می‌شود تا تفیلا و توراہ او کامل و با تمرکز شایسته باشد.

در فصول پدران ، دانشمندان توراہ چهل و هشت مورد را ذکر می‌نمایند که به وسیله آنها می‌توان توراہ را خرید. بدین صورت که اگر فرد مایل باشد توراہ را خریده و صاحب توراہ شود باید بر طبق این چهل و هشت مورد عمل نماید. به عنوان مثال ، برای دریافت مدرک از دانشگاه ، باید سلسله مواردی را انجام داد و امتحانات مختلفی را پشت سر گذاشت ، چه عملی ، چه کتبی و چه شفاهی ، تا مدرک گرفت و در غیر این صورت ، مدرک ناقص بوده و اعتباری ندارد. توراہ نیز به همین صورت است و اگر در هر یک از این چهل و هشت مورد تلاش نکنیم ، قسمتی از توراہ در نزد ما ناقص است و ما صاحب توراہ نشده‌ایم. پس باید در طول سال و مخصوصاً در این ایام ، این موارد چهل و هشتگانه را یاد گرفته و در به دست آوردن آنها تلاش نماییم تا توراہ را آن چنان که باید و شاید دریافت کنیم.

این میشنا که چهل و هشت مورد را توضیح می‌دهد در فصل ششم فصول پدران است. به همین جهت هم اکنون باید مشغول یادگیری این مطالب شد آنها را در این ایام شمارش عومر یاد

گناه گوساله طلایی

در پاراشای کی‌تیساً خواندیم خد-اوند درباره گناه گوساله طلایی فرمود: "و در روز قضاوت ، قضاوت خواهیم کرد" که در این باره دانشمندان توراہ فرموده‌اند: "هر بلا و زجری که بر قوم بیسرائل می‌آید ، کمی از گناه گوساله طلایی را نیز به همراه دارد" حال اگر در روز هشتم برپایی میشکان ، اهرون و قوم بیسرائل قربانیهای آوردند که گناه گوساله طلایی را کفاره نمایند ، پس چرا لازم بود دوباره گاو قرمز برای کفاره گناه گوساله طلایی آورده شود؟

همچنین در ادامه پاراشای می‌خوانیم که توراہ می‌نویسد: "مشه رو به فرندان باقیمانده اهرون نمود"

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: "باقیمانده" ، به این منظور که به سبب گناه گوساله طلایی تمام فرزندان اهرون هکهن محکوم به مرگ شده بودند ، ولی مشه ربنو برای اهرون هکهن تفیلا خواند و فقط نیمی از فرزندان او جان خود را از دست دادند.

در این پاراشای می‌خوانیم مشه ربنو به اهرون هکهن دستور می‌دهد: "یک گوساله را به عنوان قربانی خطا تقدیم نما و یک بز را به عنوان قربانی عولا... و به بنی بیسرائل یک بز را به عنوان قربانی خطا بیاورند و یک گوساله و یک گوسفند و یک گاو و یک بز را به عنوان قربانی میلوئیم بیاورند و قربانی آردی پر از روغن تقدیم کنند؛ زیرا امروز خد-اوند بر شما آشکار خواهد شد".

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد مشه ربنو به اهرون دستور داد یک گوساله را به عنوان قربانی خطا تقدیم نماید تا نشان دهد خد-اوند گناه درست کردن گوساله طلایی را می‌بخشد.

در پاراشای خوقت نیز راشی در تفسیر گاو قرمز رنگ می‌نویسد تمام این قربانیها برای کفاره گناه گوساله طلایی می‌باشند.

مورد جالب توجه این است که تمام قربانیهای پاراشای این هفته در روز اول ماه نیشان تقدیم شدند و پاراشای گاو قرمز رنگ نیز در روز اول ماه نیشان گفته شد. ظاهراً به نظر می‌رسد ماه نیشان این خصوصیت را دارد که گناه گوساله طلایی را کفاره نماید.

פון ו צרבי

חשב ו כתאב וייקרא דברא דתקדימ קרבאני מי-חואנימ. דר אכר קרבאנייהא ,
 חון ו צרבי אנהא בר רוי אש מזיח תקדימ מי-שד ו מי-סוכת.

צרא חון ו צרבי ? דר תוציח אין מורד מאלא אמה אסט :
 שחסי בוד קה רוזאנה פס אז תפילאי שחרית , تا نيمه روز

משغول آموزش توراھ مي-شد و سپس به مغازه خود مي-رفت و
 مشغول کار مي-شد. يک روز پس از آموزش توراھ به خانه آمد که
 به مغازه برود , همسرش به او گفت :

"چند تاجر با کت و شلوار آمده بودند و مي-خواستند جنس زيادي
 بخرند , ولي من نخواستم مزاحم تو شوم و به همين جهت تو را
 صدا نزدم".

آن مرد با ناراحتی گفت : "آخر چرا؟ اگر من به اين چند تاجر
 جنس زيادي مي-فروختم , مي-توانستم چند مدت مغازه را تعطيل
 کنم و مشغول آموزش توراھ شوم. از اين پس , اگر تاجر و يا
 اشخاص محترم با من کار داشتند , من را صدا کن".

مدتی گذشت تا اين که يک روز شخصی با کت شلوار و کيف
 رسمي به خانه اين شخص آمد و پرسيد :
 "چرا مغازه بسته است؟"

همسر آن شخص که ديد شخص محترمی مقابل او ايستاده گفت :
 "صبر کن تا شوهرم را صدا کنم".

سپس دوان دوان به کنيسا رفت و شوهرش را صدا کرد. وقتی
 شوهر به خانه رسيد متوجه شد بازرس ماليات به سراغ او آمده و
 چون بازرس اين مورد عجيب را ديد که مغازه بسته است و وقتی
 مشتري مي-آيد , همسرش او را صدا مي-زند , خیلی دقيق تمام

تنبلی نشان دهد و به طرف گناه کشيده نشود.
 ولي گاهی انسان مسؤليت خون و چربي را عوض مي-کند و در
 انجام گناه , فعال و پرشتاب و در انجام ميصوا , خسته و تنبل است
 و درست به مانند همسر شخص مغازه-دار عمل مي-نمايد که هنگام
 آمدن تاجران , همسر خويش را صدا نزد , ولي وقتی بازرس
 ماليات به سراغ او آمد , همسر خود را صدا زد.
 به همين سبب خد-اوند دستور مي-دهد که انسان بايد خون و
 چربي را بر روي مذبح تقديم کند تا اين مورد را کفاره نموده , پند
 گرفته , رفتار خويش را اصلاح نمايد , در انجام ميصواها فعال و
 کوشا و خود را از انجام گناه باز دارد.

در کتاب وويقرا دربارهٔ تقديم قربانی می-خوانیم. در اکثر قربانیها ،
 خون و چربی آنها بر روی آتش مذبح تقديم می-شد و می-سوخت.

چرا خون و چربی ؟ در توضیح این مورد مثالی آمده است :

شخصی بود که روزانه پس از تفیلاي شخریت ، تا نیمه روز
 مشغول آموزش توراھ می-شد و سپس به مغازه خود می-رفت و
 مشغول کار می-شد. یک روز پس از آموزش توراھ به خانه آمد که
 به مغازه برود ، همسرش به او گفت :

"چند تاجر با کت و شلوار آمده بودند و می-خواستند جنس زيادي
 بخرند ، ولي من نخواستم مزاحم تو شوم و به همين جهت تو را
 صدا نزدم".

آن مرد با ناراحتی گفت : "آخر چرا؟ اگر من به اين چند تاجر
 جنس زيادي مي-فروختم , مي-توانستم چند مدت مغازه را تعطيل
 کنم و مشغول آموزش توراھ شوم. از اين پس , اگر تاجر و يا
 اشخاص محترم با من کار داشتند , من را صدا کن".

مدتی گذشت تا اين که يک روز شخصی با کت شلوار و کيف
 رسمي به خانه اين شخص آمد و پرسيد :
 "چرا مغازه بسته است؟"

همسر آن شخص که ديد شخص محترمی مقابل او ايستاده گفت :
 "صبر کن تا شوهرم را صدا کنم".

سپس دوان دوان به کنيسا رفت و شوهرش را صدا کرد. وقتی
 شوهر به خانه رسيد متوجه شد بازرس ماليات به سراغ او آمده و
 چون بازرس اين مورد عجيب را ديد که مغازه بسته است و وقتی
 مشتري مي-آيد , همسرش او را صدا مي-زند , خیلی دقيق تمام

تنبلی نشان دهد و به طرف گناه کشيده نشود.
 ولي گاهی انسان مسؤليت خون و چربي را عوض مي-کند و در
 انجام گناه , فعال و پرشتاب و در انجام ميصوا , خسته و تنبل است
 و درست به مانند همسر شخص مغازه-دار عمل مي-نمايد که هنگام
 آمدن تاجران , همسر خويش را صدا نزد , ولي وقتی بازرس
 ماليات به سراغ او آمد , همسر خود را صدا زد.
 به همين سبب خد-اوند دستور مي-دهد که انسان بايد خون و
 چربي را بر روي مذبح تقديم کند تا اين مورد را کفاره نموده , پند
 گرفته , رفتار خويش را اصلاح نمايد , در انجام ميصواها فعال و
 کوشا و خود را از انجام گناه باز دارد.

قابل توجه خوانندگان گرامي

در مهلهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد:

* **يروشاليم:** بازار مفتح يهودا , فيابان אפרק , فروشگاه آقای يوسف کهن تلفن ۵۸۳۶۹۵۵-۵۸.

* **يروشاليم:** گئولا , فيابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فيابان علیا شماره ۲۳ , آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴. * **فولون:** בית הכנסת צעירי איראן , בית הכנסת מגן 200

* **کفرساب:** آقای מרטי کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲.

* **بيتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۴۲۸۹۳۶-۵۴.

* **امکان دریافت پاراشاي هفته از این تارنما وجود دارد.**